

جهانی‌شدن عملکرد سلفی‌گری در پرتو گسترش فناوری ارتباطات؛

مطالعه موردی داعش

روح اله طالبی آرانی^۱ جمال گویلی کیلانه^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۵/۲۷ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۱۹

چکیده

هرچند سلفی‌گری در بدو پیدایش خود در مقام اندیشه خاستگاه خاورمیانه‌ای داشته است ولی به مرور زمان به دنبال عملیاتی‌شدن آن، عملکردی جهانی یافته است، چراکه برای عملی کردن اهداف خود رفته رفته ناگزیر شده است در جبهه‌ای به پهنای جهان دست به فعالیت بزند. با گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، به ویژه از دهه ۱۹۹۰ تاکنون، گروه‌های سلفی نیز موفق شده‌اند از این فناوری‌ها برای نیل به اهداف بهره‌برداری کنند. نمونه بارز این گروه‌ها دولت خودخوانده اسلامی عراق و شام (داعش) است که مخوف‌ترین سلفیت جهادی به شمار می‌آید. در این چارچوب، مقاله حاضر می‌کوشد تحلیل کند که مفاهیم اصلی «امت‌محوری»، «جهاد» و «احیای خلافت» در اندیشه سلفیون جهادی، الزامات جهانی شدن را در خود دارا می‌باشد، در ضمن استفاده این گروه‌ها از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به گسترش عملکردشان کمک کرده است. استدلال نویسندگان این است که ویژگی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات یعنی، «جهانگیر شدن»، «قاعده‌گریزی» و «ایجاد دنیای مجازی» به عنوان محملی برای تحقق مفاهیم اصلی جهادیون و جهانی‌شدن عملکرد سلفیت داعشی نقش‌آفرینی کرده‌اند. روش تحقیق در این نوشتار، تبیینی با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن، سلفی‌گری، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، داعش

۱. استادیار روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

نویسنده مسئول aranipolitics@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی

ما به دوران فشرده‌گی، زمان و فضا پا نهاده‌ایم و این مفهومی جز کاهش زمان و کوچک شدن فضا نیست. مفهومی که هم محرک و هم محصول فرآیند جهانی شدن است. به قول گیدنز انقلاب ارتباطات و گسترش فناوری‌های اطلاعات در فرآیند جهانی شدن و به قول فریدمن (۱۳۸۹) در تسطیح دنیا بسیار تأثیر گذار بوده است.

مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشرده شدن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. مک لوهان همه جایی شدن وسایل ارتباطی به ویژه وسایل بصری را عامل درهم فشرده شدن جهان می‌داند. فریدمن نیز انقلاب اطلاعات را یکی از تسطیح کننده‌های جهان می‌داند. تا اواسط دهه ۱۹۹۰ مردم خالق پیام خود به شکل دیجیتال شدند، اما آنچه اجازه می‌داد تا هر کدام از ما پیام خود را با کمترین هزینه به هر جای دنیا ارسال کنیم، اینترنت بود. وب جهانی نیز به عنوان سپهر مجازی اینترنت، ارسال پیام دیجیتالی را برای دسترسی هر کس مهیا کرد. در این میان تنها بازیگران اصلی صحنه بین المللی (دولت ملت‌ها) نبودند که می‌توانستند از این فرصت‌ها استفاده نمایند بلکه بازیگران غیر دولتی نیز از این امکانات استفاده از آن جهت تحقق اهداف خود بی‌نصیب نشدند.

سلفیت جهادی به عنوان یک جریان بنیادگرا در درون دین اسلام یکی از این بازیگران بود که توانست از طریق مجراهای جدید، محتوای اندیشه‌ای خود را گسترش بخشد. عملکرد جهانی جهادگرایان، ناشی از الزامات جهانی بودن اندیشه این جریان است. الزاماتی که با تکیه و بهره برداری از توسعه فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات فعالیت یافته است.

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که کدام ویژگی‌های سلفیت جهادی (در اینجا داعش) موجب گسترش عرصه فعالیت و رویارویی با بازیگران فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی شده است؟ و در این میان کدام ویژگی‌های فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در این گسترش فعالیت، نقش داشته‌اند؟

در پاسخ به این پرسش باید عنوان کرد که سه مفهوم محوری «امت‌باوری»، «جهاد» و «احیای خلافت» در اندیشه سلفیت جهادی و به ویژه گروه دولت اسلامی و نیز استفاده از فرصتهای ناشی از گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات زمینه را برای جهانی شدن عملکرد سلفیون جهادی فراهم کرده است.

بررسی این فرضیه در سه بخش صورت می‌گیرد. در بخش نخست، معنا و مفهوم جهانی شدن و شاخص‌های گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات توضیح داده می‌شود. در بخش دوم، مفهوم سلفیت، نوع جهادی آن و سه مفهوم اصلی در این اندیشه یعنی «امت‌محوری»، «جهاد» و «احیای خلافت» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش سوم نیز به بررسی جهانگیری فعالیت سلفیت داعشی در چارچوب فرصتهای ناشی از گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پرداخته می‌شود.

۱. رهیافت مفهومی: جهانی شدن

امروزه جهانی شدن به یکی از پرکاربردترین مفاهیم علوم اجتماعی تبدیل شده است، اما به مانند دیگر مفاهیم از ابهام بری نیست. این مفهوم از سال ۱۹۶۰ به تدریج وارد محافل علمی شد و به گفته رابرتسون، از اوایل دهه ۱۹۸۰ اعتبار علمی یافت (واترز، ۱۳۷۹: ۳۴). جهانی شدن تاریخی طولانی دارد. ادیان بزرگ و امپراطوریهایی از جهانی شدن در قدیم بوده‌اند اما سرعت، وسعت و قالبهای تازه، جهانی شدن جدید را متمایز می‌کند (رابرتسون، ۱۳۸۸: ۳۸).

واژه جهانی شدن برای افراد در حیطه‌های مختلف معانی متعدد و متفاوتی دارد که با تغییر فرهنگها و نگرش‌ها و دغدغه‌ها تغییر می‌کند. جهانی شدن جنبه‌ها و عرصه‌های گوناگونی از قبیل جهانی شدن فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد (رضایی نبرد، ۱۳۹۰، ۳).

جنبه اقتصادی جهانی شدن برای مدتی مورد توجه بیشتر نظریه‌پردازان بود و اکثر تعاریف بر مصادیق اقتصادی جهانی شدن تأکید داشتند. از مصادیق جهانی شدن اقتصادی می‌توان به جریان جهانی کالا، پول، خدمات، اطلاعات و نیروی کار اشاره کرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۶۱-۷۷). آنتونی گیدنز تأثیر جهانی شدن بر بعد اقتصادی را

قابل ملاحظه می‌داند و معتقد است هرچند بیشتر مبادلات تجاری به صورت منطقه‌ای باقی مانده‌اند، اما یک «اقتصاد کاملاً جهانی» در زمینه بازارهای پولی و مالی وجود دارد (خانیک، بی‌تا: ۱۴). تحول فناوری یکی مهم‌ترین عاملی است که زمینه را برای جهانی‌شدن اقتصاد فراهم کرده است؛ پیشرفت‌های فناوری یکی همچون اینترنت، هزینه انتقال اطلاعات را به شدت کاهش داده و امر تجارت بین‌المللی را هموار کرده‌اند. به طور کلی، جهانی‌شدن اقتصاد را می‌توان دارای سه محور اساسی دانست: افزایش جریان تجارت جهانی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تحولات فناوری. محور سوم بیشترین تأثیر را در اقتصاد جهانی داشته است (خانیک، بی‌تا: ۶۱-۷۷).

اما فرآیند جهانی‌شدن به اقتصاد محدود نمی‌شود. در این میان، جهانی‌شدن سیاسی فرآیندی است که از طریق آن، امر اجتماعی بیش‌ازپیش از حصار تنگ و محدود دولت ملت رها می‌شود و انسانها در چارچوب جامعه‌ای گسترده‌تر زندگی اجتماعی را از سر می‌گیرند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۹۷-۱۱۷). در مراحل مختلف دوران مدرن، مرزهای جامعه براساس دولت تعریف و تحدید می‌شد و مرزهای سیاسی کم‌وبیش بر مرزهای اجتماعی منطبق بود. ولی فرآیند جهانی‌شدن با نفوذپذیر کردن مرزهای ملی، زمینه جدایی جامعه، روابط اجتماعی و فرهنگ را از نهاد دولت ملت فراهم کرده است. مرززدایی یکی از مولفه‌های اساسی در فرآیند جهانی‌شدن است به نحوی که فناوریهای الکترونیک هر گونه محدودیت طبیعی و سیاسی را از بین می‌برند و افکار و اطلاعات بدون هیچ کنترلی از مرزهای ملی عبور می‌کنند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۷۸-۹۸).

امروزه بعد فرهنگی جهانی‌شدن، به یکی از ابعاد مسئله‌زای آن تبدیل شده است. فرآیند جهانی‌شدن در عین حال که فرهنگ و هویت را بسترزدایی و سرزمین‌زدایی می‌کند، محل و سرزمین را هم دوباره در کانون زندگی اجتماعی-فرهنگی قرار می‌دهد. این فرآیند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و تمامی خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. اما واکنشهای ستیزآمیزی نیز در برابر این

هجوم فرهنگ مصرفی شکل می‌گیرد. این همان دیالکتیک عام/خاص می‌باشد، به نحوی که جهان هم دربرگیرنده عامیت و همگونی است و هم خاصیت و ناهمگونی را در خود جای می‌دهد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۱). به عبارت دیگر، اگرچه جهانی-شدن به معنای یگانه شدن جهان است اما یگانه شدن را نباید با دو مفهوم وحدت و ادغام اشتباه کرد (رابرتسون، ۱۳۸۸: ۷۱).

ما در یک عصر پرتناقض زندگی می‌کنیم، از یک سو فرآیندهای جهانی سازی شتابانند و از سوی دیگر، فرآیندهای محلی سازی به قدرت خود باقی‌اند. جهانی شدن تحولی پارادایمی است که ساختارهای سیاست جهانی را تغییر داد و مسائل جدیدی را به دستورکار جهانی اضافه کرد (Rosenau, 2005: 10).

به مخاطره افتادن هویت‌های فردی و جمعی (در مواجهه با جهانی شدن)، محل امن زندگی انسان را نیز با تهدیدهای جدی مواجه کرد. به گفته رابرتسون، ما اکنون در مرحله جهانی شدن شتابان و نوستالژی‌آفرین به سر می‌بریم (خانیک، بی تا: ۱۷).

خیزش‌ها و ستیزهای قومی، جنبش‌های ملی‌گرایانه و بنیادگرایی‌های دینی انواعی از خاص‌گرایی‌های فرهنگی هستند. آنتونی گیدنز خیزش‌های ناسیونالیسم را در قالب ناسیونالیسم محلی بررسی می‌کند و این پدیده را محصول امکان‌های جدیدی می‌داند که فرآیندهای جهانی شدن برای بازتولید هویت‌های محلی فراهم می‌کند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۶). برجسته شدن فرهنگ به حدی بوده است که حتی نظریات مارکسیستی نیز به سمت پررنگ کردن نقش فرهنگ رفته‌اند و دست به بازسازی اندیشه مارکسیستی زده‌اند تا برای عامل فرهنگ در مادی‌گرایی تاریخی جایگاه عمده‌تری قائل شوند. والرستین عنوان می‌کند که فرهنگ میدان مبارزه ایدئولوژیکی در نظام جهانی مدرن است (رابرتسون، ۱۳۸۸: ۶۶).

از آنجا که ادیان بیشتر از سایر فرهنگ‌ها هر دو عنصر و قابلیت عام‌گرایی و خاص‌گرایی را در خود دارند، نمود تحول فرهنگی در این حوزه آشکارتر است. جهانی شدن خالق نوعی بحران هویت و معنا می‌باشد، و از همین رو فرهنگها در برابر آن به خاص‌گرایی فرهنگی متوسل می‌شوند. برجسته‌ترین نمود بنیادگرایی

فرهنگی، بنیادگرایی دینی است (رابرتسون، ۱۳۸۸: ۱۵۷). بنیادگرایان بر این باورند که دگرگونی‌های اجتماعی باعث تهدید شیوه زندگی، ارزش‌ها و عقاید دینی مطلوب آنها می‌شود، و باید سرسختانه با آن مبارزه کرد. امروزه گسترش بنیادگرایی را می‌توان هم در جوامع توسعه‌یافته غرب و هم در جهان سوم آشکارا مشاهده کرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

نظریه «همجواری فرهنگی» جان تاملینسون^۱ (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۵) که «همسایگی جهانی» و یا استعاره «دهکده جهانی» را نمایانگر نزدیکی فرآیندهای جهانیان به یکدیگر و نوعی همجواری معرفی می‌کند و نیز نظریه «یکپارچگی فرهنگی» رونالد رابرتسون^۲ که قائل به آن است که جهان به سوی نوعی یکپارچگی زیر بنایی پیش می‌رود (خانیک، بی‌تا: ۱)، تنها یک روی سکه را نشان می‌دهد، چرا که ما در کنار آن نیز شاهد برجسته شدن خاص‌های فرهنگی می‌باشیم.

از نظر مالکوم واترز^۳، برای تعریف جهانی شدن، بهتر است نقطه پایانی و مقصد فرآیندهای جهانی شدن را مشخص کنیم. او پایان این فرآیند را دنیای کاملاً جهانی شده‌ای می‌داند که در آن، یک تک‌جامعه و یک تک‌فرهنگ در سراسر سیاره زمین مستقر خواهد شد، وابستگی به سرزمین از بین خواهد رفت، جامعه‌ای بدون مرز جغرافیایی مستقر خواهد شد، و برقراری ارتباط میان افرادی که در فاصله‌های دور از هم زندگی می‌کنند، به همان راحتی ارتباط میان همسایه‌ها خواهد بود. فرهنگی که جهانی خواهد شد همان فرهنگ اروپایی خواهد بود (واترز، ۱۳۷۹: ۳۰). اما آنچه اکنون شاهد آن هستیم جهانی شدن ناقصی است که در آن، بنیادگرایی فرهنگی و خاص‌گرایی فرهنگی نیز با استفاده از امکانات آن به سمت جهانگیر شدن سیر می‌کند. ادامه فعالیت‌های بنیادگرایانه و پررنگ‌تر شدن نوع دینی و از جمله اسلامی آن در قرن بیست و یکم نظریه ادغام و یکپارچگی فرهنگی جهانی را به چالش کشیده است.

1 John Tomlinson

2 Ronald Robertson

3 Malcolm Waters

از یک چشم‌انداز روان‌شناختی، افراد و گروه‌ها، در شرایط جهانی شدن با تناقضها و التهاب‌هایی روبه‌رو هستند. برخی از جوامع سنتی (مانند بنیادگرایان اسلامی) از تسلط فرهنگ غربی و سکولار واهمه دارند، اما باید یادآور شد که احساس ناامنی از بابت هویت و فرهنگ تنها مختص بنیادگرایان دینی نیست؛ این ترس در غرب نیز وجود دارد. ترس در باب هویت، هم در اتحادیه اروپا و هم در آمریکا شمالی نیز وجود دارد (Moghaddam, 2009: 4).

پدیده بنیادگرایی دینی برجسته‌ترین نمونه و مصداق خاص‌گرایی فرهنگی است که در برابر جهانی شدن فرهنگی ایستادگی می‌کند. بنیادگرایان، جهانی شدن را غربی شدن و تهدیدی برای ارزشهای خود می‌دانند و در این حالت تأکید بر داشته‌های خود و صیانت از آنها در برابر سونامی جهانی شدن را بهترین راه برای مقابله با آثار سوء آن می‌دانند. سلفی‌گری در جهان اسلام را می‌توان به‌عنوان یکی از مصداق بارز بنیادگرایی اسلامی نام برد. بنیادگرایی اسلامی یا همان سلفی‌گری در دهه‌های اخیر و به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ به بعد به شدت در برابر جریان جهانی شدن ایستادگی کرده است و امروزه به‌عنوان یک فرهنگ خاص از تهدیدات جهانی شدن به فرصت‌های جهانی شدن (گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات) پناه برده است.

۱-۱. گسترش فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات

زیرساخت‌های شبکه‌های اطلاعاتی که کامپیوتر و ارتباطات را در هم آمیخته، بزرگ‌ترین پروژه ساخته‌شده تاریخ بشری است. در دو دهه اخیر گسترش فناوری ارتباطات و اطلاعات^۱ جهان را متحول کرده است. این تحولات جنبه‌های مهم جریان روابط بین‌الملل را تغییر داده است (Aroson&Cowhey, 2000: 1). قدرت و اهمیت فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و تحولات ناشی از آن به حدی می‌باشد که بسیاری از دانشمندان برای بیان این اهمیت از اصطلاحاتی مانند «انقلاب اطلاعات^۲» یا «جامعه اطلاعاتی^۳» استفاده کرده‌اند (نورمحمدی، ۱۳۹۰: ۳۵).

1 Information And Communications Technologies(Icts)

2 Information Revolution

3 Information Society

با پیدایش شبکه‌های جهانی اطلاعات و گسترش فزاینده امکاناتی همچون رایانه‌ها، ماهواره‌های ارتباطی و اینترنت، دنیای نوینی ظهور یافت که در آن تمامی ابعاد زندگی بشر از این انقلاب فناوریک تأثیر پذیرفته است (سیف آبادی، ۱۳۹۳: ۶). فناوری اطلاعات را می‌توان نقطه همگرایی الکترونیک، پردازش داده‌ها و ارتباطات دوربرد دانست. این همگرایی دو جنبه دارد: نخست، از میان رفتن فاصله‌ها و در نتیجه قرار گرفتن رایانه‌های سابقاً منزوی از هم در یک شبکه گسترده جهانی و دوم، رایانه‌مند شدن سیستم‌های ارتباط دوربرد که موجب ایجاد ظرفیت‌های جدیدی برای انتقال صدا و تصویری می‌شود (نکته‌دان، ۱۳۸۶: ۳۱).

از نگاه این نوشتار، «جهانگیر بودن»، «قاعده‌گریزی» و «ایجاد جهان مجازی»، سه ویژگی بارز فناوریهای اطلاعات و ارتباطات می‌باشد. پیشرفت فناوریهای اطلاعات و ارتباطات موجب شده است در دسترسی به اطلاعات، بحث زمان و مکان مطرح نباشد. افراد در هر نقطه از جهان می‌توانند به راحتی از طریق ابزارهای ارتباطی نوین از هر نقطه‌ای از جهان اطلاعات را دریافت کنند. ظهور اینترنت و رسانه‌های اینترنت‌مدار تحولی شگرف در فناوریهای اطلاعات و ارتباطات است که مرزها را درنوردیده و ملت‌ها و جوامع را فارغ از حضور سنگین دولتها به هم ارتباط داده است.

الف. جهانگیر شدن فناوریهای اطلاعات و ارتباطات

سه رویداد بلندمدت در دهه‌های اخیر سبب انقلابی کردن فناوریهای اطلاعات و ارتباطات شده است. رویداد نخست، وارد شبکه کردن نقاط دور دست است. پایانه‌های صوتی گنگ جای خود را به ترمینال‌های قدرتمند و شبکه‌ای داده‌اند. این رویداد ارتباط کامپیوترهای شخصی به اینترنت را تسریع کرد و سبب تحرک و پویایی صدا و اطلاعات شد. رویداد دوم مربوط به قیمت و کیفیت خدمات در بازارهای فناوریهای اطلاعات و ارتباطات است، به نحوی که روز به روز بهای خدمات کاهش می‌یابد و کیفیت بالا می‌رود. رویداد سوم، پهنای برنامه‌های کاربردی به صورت عریض در شبکه است که قابلیت تعمیم به سراسر شبکه را

داراست (Aroson&Cowhey,2000:1-2). در همین چارچوب، بازار فناوریهای اطلاعات و ارتباطات به سمت رقابتی شدن همه بخش‌های زیر ساختی، سخت افزار، نرم افزار و خدمات پیش رفته است. در این زمینه سه روند شکل بین المللی یافته است: نخست، تولید ریزپردازنده‌ها^۱ در مقدار زیاد و اندازه کوچک درزمینه کامپیوترهای شخصی است که بازار را تحت تأثیر قرار داده است؛ دوم، رشد انفجاری موبایل بی سیمی است؛ وسوم، وجود اینترنت و تجاری کردن آن است. اینترنت معماری و ظرفیت شبکه را انقلابی کرده و به طور جدی باعث تحول شبکه شده است (Aroson&Cowhey,2000: 3-4).

جهانگیری فناوریهای اطلاعات و ارتباطات هم مربوط به «زیرساخت‌های ارتباطی» است و هم مباحث و محورهای محتوایی و موضوعی را نیز دربرمی گیرد. زیرساخت ارتباطی بیان کننده شبکه‌هایی است که به طور فیزیکی انتقال و ارتباط را تأمین می کنند و بیشتر ناظر بر وجه سخت افزاری ارتباطات است. همزمان با جهانگیر شدن بعد سخت افزاری ارتباطات، محتواها (ایده، اطلاعات و ...) نیز جهانگیر شده است.

ب. قاعده‌گزینی فناوریهای اطلاعات و ارتباطات

امروزه کنترل جریان‌های اطلاعاتی در شبکه‌های بسیار پیچیده و متنوع ارتباطات جهانی دشوار و در واقع غیرممکن است، چراکه ارتباطات مبتنی بر فناوری الکترونیک همچون ماهواره، اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای، تلفن، نامبر و ... هر گونه محدودیت طبیعی و سیاسی را از بین می‌برند و افکار و اطلاعات بدون هیچ گونه کنترلی از مرزهای ملی عبور می‌کنند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۱۰). شرایطی که فناوریهای ارتباطی و اطلاعات مهیا کرده است باعث شده است بازیگران دیگری غیر از بازیگران اصلی و سنتی (دولت‌ها) ظهور کنند. در واقع، فضای ناشی از گسترش فناوریهای اطلاعاتی، فعالیت چشمگیر بازیگران غیردولتی را در کنار دولت‌ها و در ورای دولت‌ها به بار آورده است.

1 Microprocessor

تغییرات در نقش بازیگران در عرصه جهانی، در اثر انقلاب اطلاعات شتابان بوده است. وب و انقلاب اطلاعات در حوزه‌های مهمی چون امنیت، سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ تأثیرگذار بوده است. این تغییرات نقش کشورها، شرکت‌ها بازیگران غیرحکومتی و نهادهای بین‌المللی را در عرصه جهانی نیز دگرگون کرده است (Arosan&Cowhey,2000:7) به گونه‌ای که ما در حال حاضر شاهد شبکه‌ای از کنشگران در سطوح مختلف هستیم که قواعد و مقررات سنتی را درمی‌نوردند و به صورت غیرسلسله مراتبی عمل می‌کنند.

ج. ایجاد دنیای مجازی

یکی دیگر از شاخص‌های گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، ایجاد دنیای مجازی در کنار دنیای واقعی است. جهان‌های اجتماعی مجازی، فضایی آرمانی است که در آن کاربران می‌توانند بسیاری از ابعاد هویتی خود را به شکل آواتار انتخاب کنند. آن‌ها می‌توانند وضعیتی مشابه دنیای واقعی خود یا کاملاً متفاوت با آن را برای خود برگزینند. فضایی که در آن کاربران بدون اجبار و از روی اختیار می‌توانند به فعالیت‌های مختلف بپردازند (خلقتی، ۱۳۹۱: ۷۴). این شاخص بیشتر حاصل گسترش اینترنت و وب بود. سهولت استفاده از فناوری‌های جدید و خدمات جدید آن، کاربران را جذب این فناوری‌ها کرده و کاهش بهای استفاده از آنها روز به روز بر تعداد کاربران در دنیای مجازی می‌افزاید. پیشرفت وب و ایجاد شبکه‌های اجتماعی سبب شد که کاربران خود هم تولید کننده محتوا و هم مصرف کننده باشند، به نحوی که رشد استفاده از شبکه‌های اجتماعی^۱ در حال پیشی گرفتن از رسانه‌های جمعی^۲ است.

1 Social Networks
2 Social Meadia

۲. معنا و مفهوم سلف و سلفی‌گری

برای روشن شدن بهتر مفهوم سلفی‌گری، لازم است به معنای «سلف» یا سلف الصالح پرداخته شود.

سلف، نسل اول مسلمانان در عصر طلایی (العهد الذهبی) اسلام است. پیترو منداولیل^۱ توضیح می‌دهد که «اصطلاح سلفی به سلف الصالح یا نیاکان پارسا باز می‌گردد، اسمی که مختص صحابه [حضرت] محمد [صلی الله علیه و آله] و سه نسل نخست مسلمانان می‌باشد (Adamson, 2011). ابن منظور در تعریف سلف اظهار می‌دارد: «آنچه که مقدم است؛ شامل آبایی که از نظر سن و فضل مقدم هستند و لذا شامل صدر اول اسلام می‌باشد». کلمه سلف نزد افغانی دلالت دارد بر کسانی که در عصر نبوت و خلفای راشدین اسلام را یاری دادند و در راه آن جهاد کردند (الشوایشی، بی تا).

در ارتباط با برتری صدر اسلام احادیثی از پیامبر (ص) نقل شده است. در حدیثی که در بخاری و مسلم آمده، پیامبر فرموده‌اند که (خیر اُمّی قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم)، مسلمانان هم دوره خودم (صحابه) و کسانی که بعد از آنان آیند (تابعین) و سپس کسانی که بعد از آن آیند (تابع تابعین) بهترین امت هستند. همچنین در حدیث «تفرق» نیز پیامبر (ص) گروه و فرقه نجات یافته (ناجیه) را فرقه‌ای دانسته‌اند که بر راه و روش خود ایشان و یارانش باشند.

به این علت است صدر اسلام و دوران حیات مبارک پیامبر (ص) و بعد از آن به عنوان سرمشق و الگو و معیاری برای مسلمانان دوره‌های بعد قلمداد شده است. اما مسئله مهم آن است که پیروان واقعی سلف چه کسانی هستند. در واقع سلفیه واقعی و فرقه ناجیه عنوانی است که گروه‌ها و مذاهب گوناگون اسلامی هر کدام خود را مصداق واقعی آن می‌دانند. به عبارت دیگر منظور از سلفیه کسانی هستند که خود را به سلف منسوب کرده‌اند.

۱۰۹

سیاست جهانی

شهرستانی صاحب کتاب «الملل و النحل» لفظ سلفیه را بر یک دین معین اطلاق می‌کند و آنهم مذهب اهل سنت است، و ابراز می‌دارد که سلف کسانی هستند که از تأویل استفاده نمی‌کنند و با تشبیه هم مخالفند؛ کسانی مانند مالک بن انس، احمد بن حنبل، سفیان الثوری و داوود بن علی الاصفهانی و تابعین آنها هستند که معتقد بودند حقایق آیات متشابه معلوم، کیفیت آنها مجهول، ایمان به آنها واجب، و سؤال از آنها بدعت است (الشواشی، ۱۴۱۴ق). اهل حدیث در صدر اسلام و سپس اشعریه که راه اعتدال را در پیش گرفتند نزد سواد اعظم مسلمین به عنوان سلفیه شناخته شدند. اما از قرن چهارم و به ویژه هفتم به بعد گروه‌هایی عقاید خود را به سلف منسوب کردند که مورد قبول عامه مسلمین نبود.

محمد ابوزهره بیان می‌دارد که آنان از حنبلیان بودند و از قرن چهارم هجری به بعد ظاهر شدند و چنین می‌پنداشتند که تمام آرایشان به امام احمد حنبل منتهی می‌شود. این گروه در قرن هفتم ظهور تازه یافتند و ابن تیمیه آن را دوباره احیاء کرد و مسائل دیگری به آن افزود، [که موجب تضاد بین او و علماء معاصرش شد]. سپس در قرن دوازدهم در شبه جزیره عربستان، محمد بن عبدالوهاب این اندیشه را احیاء کرد و [پیروان او اکنون با عنوان وهابی نامبردارند] (فرمانیان، ۱۳۸۸).

سلفی‌های که در قرن چهارم به بعد پیدا شدند هم با روش معتزله و هم با روش اشاعره و ماتریدیه مخالف بودند، آن‌ها بر این اعتقاد بودند که عقاید را باید فقط از کتاب و سنت دریافت کرد. ابن تیمیه روش سلفیه را سامان داد. ابن تیمیه روش‌های عالمان در فهم عقاید اسلامی را به چهار دسته تقسیم کرد - که شامل فلاسفه، متکلمان، [ظاهراً] ماتریدیه و اشاعره - و در نهایت اظهار می‌کند که روش سلف هیچ یک از این چهار قسم نیست (فرمانیان، ۱۳۸۸).

یکی از مسائل مهم اختلافی موضوع توسل و واسطه بین خدا و مخلوقات بود. ابن تیمیه کتابی را با همین عنوان تألیف کرده است. اندیشه‌های ابن تیمیه در زمان خود او نتوانست که در مناطق اسلامی پیروان زیادی را جلب و جذب کند. این شاید به دلیل قدرت علماء مخالف او بود و نیز عدم امکانات و ابزارهای ارتباطی به مانند

آنچه امروز متداول است. با مرگ ابن تیمیه دعوت به سلفی‌گری دچار تنزل بسیار شد تا اینکه ظهور محمد عبدالوهاب و جنبش او دوباره غبار از دعوت و اندیشه‌ی ابن تیمیه زدود. در واقع محمدبن عبدالوهاب اندیشه‌های ابن تیمیه را عملی کرد. توسل موضوعی است که سلفیون را با مخالفینشان سخت درگیر کرده است. اهمیت آن از آنجا ناشی می‌شود که اعتقاد به جایز نبودن و از اعمال شرک بودن آن، مساوی خواهد بود با مشرک قلمداد کردن اکثریت مسلمانان از جانب سلفیون و حلالیت جان و مال آنها که حاصل آن قتل و کشتار و جنگ و آشوب خواهد بود که جوامع اسلامی را به آتش خواهد کشاند. همچنان که امروزه جلوه‌ای از آن را در خاورمیانه شاهدیم. از طرف مقابل هم جایز دانستن توسل موجب زدن تهمت خوارچ و نسبت دادن گمراهی به مخالفین است که هر دو از باور به جایز بودن یا نبودن توسل ناشی می‌شود.

برای مثال محمدعبدالوهاب مسلمانان عصر خود که غیر خدا را می‌خوانند به مشرکین صدر اسلام تشبیه می‌کند و بلکه بدتر از آنها می‌داند. محمدبن عبدالوهاب با توجه به آیه ۳ سوره زمر بین مشرکین دوران پیامبر و مسلمانان به زعم او گمراه امروزی تفاوتی نمی‌بیند. هر دو گروه به گفته او برای تقرب به خداوند واسطه‌هایی بین خود و خدایشان قرار داده‌اند. ابن عبدالوهاب بیان می‌دارد که رسول خدا با مشرکین زمان خود جنگید هرچند که آنها قائل به توحید ربوبیت بودند، زیرا توحید الوهیت را نقض می‌کردند و عبادت را صرف اصنام می‌کردند (عبدالوهاب، ۲۰۱۴). این نکته حاوی پیامی خطرناک است و آن اینکه جنگ با مردم دچار شرک امروزی نیز جایز است. این است که عبارت «العدو القریب» (دشمن نزدیک) و مبارزه با آن به اولویت گروه‌های سلفی‌گرا تبدیل می‌شود. این جنگ و مبارزه شامل طیف متنوعی است که بنا به تاکتیک‌های این گروه‌ها، تغییر می‌کند. از جمله تبلیغ بر علیه آنها و مجادله علمی با آنها تا مبارزه فیزیکی و حلال دانستن جان و مال و خون آنها و قتل و کشتار.

سلفیت یک ایدئولوژی است. از این رو، شاخه‌های گوناگون در آن وجود دارد. همه گروه‌های سلفی جدید به سیاست‌های رادیکالی و خشونت باور ندارند، هرچند همه آنها از لحاظ شدت محافظه‌کاری در انتهای طیف قرار می‌گیرند، هر کدام از این گروه‌ها با برخورداری از این ایدئولوژی برای تغییر وضع موجود و ایجاد وضع مطلوب خود دست به اقداماتی زده‌اند. آنچه این گروه‌ها را از هم جدا می‌سازد، شدت و میزان توسل آنها به خشونت است.

ابن عبدالوهاب شرک مشرکین زمان حاضر را بدتر و سخت‌تر از زمان جاهلیت می‌داند و آنها را فقط اسما مسلمان می‌داند. دلیل او این است که مشرکین دوران جاهلیت در هنگام سختی و بلا خالصانه خدا را می‌خواندند و فقط در دوران آسایش و رفاه شرک می‌ورزیدند اما مشرکین زمان حال چه در راحتی و چه در سختی همواره شرک می‌ورزند (ابن عبدالوهاب، ۲۰۱۴). سلفیون ماده «دعا» یا «دعو» را در معنای عبادت به کار می‌برند و انجام دادن آن برای غیر خدا را شرک می‌دانند. این عقیده خطرناک به معنای مشرک قلمداد کردن مسلمانان بوده به نحوی که غیر خودشان را گمراه و ضال و حتی مشرک می‌دانند.

نکته مهم آن است که تعاریف سلفیون از توحید و شرک همان تعاریف مورد قبول اجماع مسلمین است و آنچه سبب تمایز می‌شود تنها مصادیق شرک است. این نکته سبب شده که سلفیون برای مثال قائلین و فاعلین توسل را در مسیر شرک بدانند.

مخالفین، وهابیت (سلفیون) را مصداق این حدیث پیامبر (ص) می‌دانند که می‌فرمایند: گروهی در آخرالزمان ظهور خواهند کرد که «اهل اسلام (مسلمانان) را می‌کشند و کفار را به حال خود رها می‌کنند.» (روضه المحتاجین، شرح مسلم به نقل از هرتلی). در واقع از نگاه مخالفین محمد بن عبدالوهاب نه تنها شیخ الاسلام، مجدد دین و پهلوان توحید (بطل التوحید) نبوده، بلکه قهرمان آشوب، ویران کننده اتحاد و خلافت اسلامی (عثمانی) بود.

یکی از تقسیم بندی‌های کلی که در باب سلفیت وجود دارد، تقسیم سلفیت به قدیم و جدید است که در آن سلفیه قدیم از ابن تیمیه تا محمد بن عبدالوهاب را شامل

می‌شود و سلفیه جدید نیز از افغانی و عبده به بعد را شامل می‌شود. در این تقسیم بندی لفظ سلف و سلفیت شامل مجددین و اندیشمندان مسلمان بعد از فروپاشی و الغای خلافت عثمانی نیز می‌شود به نحوی که از افرادی مانند افغانی و محمد عبده به عنوان مؤسسین سلفیت جدید نام برده می‌شود. در این تقسیم بندی، سلفیت جدید با ظهور سید قطب به سمت خشونت می‌رود و از دهه ۱۹۷۰ به بعد بنیادگرایی و تندروی و خشونت، گروه‌های اسلامی را در بر می‌گیرد.

جمال باروت و ابراهیم آداب، دو گرایش اعتدالی (اخوانی) و افراطی در سلفیت جدید را از هم تفکیک کرده‌اند. گرایش اعتدالی بر دعوت و تربیت اسلامی تاکید دارد اما نوع افراطی بر اهمیت جهاد انگشت می‌گذارند (احمدوند، ۱۳۸۸). اما در این پژوهش با شمولیت سلفیت جدید موافقت نمی‌شود و سلفیت، با خصیصه خشونت و ترور و تبعیت از آراء و نظریات ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب تعریف می‌شود. لذا از دایره شمولیت آن کاسته شده و شامل گروه‌های دیگر اسلامی مانند اخوان نمی‌شود. اما میزان خشونت ممکن است متفاوت باشد و طیفی را شامل شود که به گفته ویکتور اویکس بن لادن و مفتی عربستان را در برگیرد (Wiktorowicz, 2006).

دلیل اینکه در این پژوهش با شمولیت سلفیت جدید موافقت نمی‌شود این است که نمی‌توان کسانی مانند محمد رشید رضا را در کنار کسی مانند بن لادن و زرقاوی قرار داد. متفکرین مسلمانی که بعد از الغای خلافت ظهور کردند (که بعضا عنوان سلفیت جدید نیز می‌گیرند) در مواردی بر خلاف اجماع حکم داده‌اند و به علوم جدید غربی (عقلانیت) تمایل داشته‌اند.

سلفیت تیمی معاصر در اندیشه مشترک بوده اما در اجرا و تاکتیک متفاوت است. در کل این طیف (سلفیت جدید) در یک کیش مذهبی، مشترک بوده و منابع اشتراکی دارند اما چگونگی عملی کردن این آیین و میزان استعمال خشونت آنها را از هم جدا می‌کند. به نحوی که گروهی به حذف فیزیکی و سلاخی پرداخته و گروهی نیز حکم تکفیر صادر کرده و به تبلیغ روی آوردند.

بازگشت به اصول اولیه اسلام، کاربرد سراسری اسلام در در همه عرصه‌های زندگی و مبارزه برای اسلامی کردن دولت و جامعه از ویژگی‌های جنبش سلفیه است (احمدوند، ۱۳۸۸). اگر چه سلفیزم دارای یک کیش مذهبی مشترک است اما بر اساس تشخیص آنها از مسائل معاصر و چگونگی اجرای این عقیده، از هم متمایز می‌شوند. جنبش سلفیت (که گاهی وهابیت را برابر با آن می‌دانند) نشان دهنده جوامع مختلف (گروه‌های متفاوتی) است. تفاوت در «تفسیر متن»^۱ سه نوع بزرگ سلفیت را به وجود آورده است که شامل پاک دینان، سیاسیون و جهادیون می‌باشد. (Wiktorowicz, 2006).

همه سلفی‌ها در داشتن یک رویکرد پاک دینانه^۲ نسبت به دین اسلام و نیز اجتناب از بدعت‌هایی که وارد دین شده و بازگشت و احیای مدل زمان [حضرت] محمد [ص] با هم مشترک‌اند. این اجتماع به حدی عریض است که اشخاص مختلفی از بن لادن تا مفتی عربستان را شامل می‌شود. افراد و گروه‌های داخل این اجتماع (سلفیت) موضع‌گیری‌های مختلفی درباره موضوعات مهمی همچون «جهاد»، «ارتداد»^۳، و ارجحیت (اولویت) فلسفه عملی دارند. سلفی‌ها در یک آیین مذهبی مشترک، واحد و یکسان‌اند، عقیده‌ای که اصول و روش اجرای معتقدات مذهبی برای مسائل و مشکلات عصر حاضر را تمهید می‌کند. این عقیده سلفیت حول تبعیت شدید از مفهوم توحید و رد شدید نقش دلایل، منطق و میل انسانی می‌چرخد. آن‌ها برای اجتناب از پایه و اساس قراردادن موضوعات انسانی، بر تبعیت از قرآن و سنت (نمونه یا سرمشق پیامبر) تأکید دارند، پیروی این دو منبع تنها راه شناخت حقیقت است. اما این دو منبع تنها یک تفسیر مشروع دارند، از این گناه تعدد مذهبی (فرقه‌گرایی) بی‌معناست. (Wiktorowicz, 2006).

تفارق و شکاف بین سلفی‌ها مربوط به تفکر و عقیده نیست، بلکه این تفارق در استراتژی می‌باشد. خوانش‌های نظری و مفهومی مختلف موجب سه دسته بندی

1 Contextual Interpretation

2 Puritancial

3 Apostasy

بزرگ در جامعه [سلفیت] شده است که عبارتند از: پاک دینان، سیاسیون و جهادگرایان. پاک دینان بر روش‌های غیر خشونت آمیز، تبلیغ، تطهیر، تزکیه و تعلیم تأکید می‌کنند. آن‌ها سیاست را یک انحراف و کج رفتاری می‌دانند. سیاسیون، در مقابل بر کار سیاسی سلفیون تأکید دارند، زیرا قانون گذاری از آن خداست و برپایی عدالت اجتماعی [و اجرای قانون الهی] نیازمند کار سیاسی است. جهادیون، بیشتر بر موقعیت نظامی (نظامی گری) تأکید دارند و معتقدند که مسائل جاری ما را به خشونت و انقلاب فرا می‌خواند. ویکتور ویکس ادامه می‌دهد که هر سه فرقه (دسته) در یک اعتقاد مشترک، سهیم‌اند اما هر کدام یک توضیح مختلف را در باب جهان معاصر و مسائل آن ارائه می‌دهند و قطعا بر راه حل متفاوت نیز متمرکز اند. ویکس بیان می‌کند که اگر ایالات متحده بخواهد که با پدیده تندروی اسلامی مقابله کند، تنها مبارزه با دسته جهادگرا کافی نیست بلکه هر سه دسته مستعد تندروی‌اند زیرا همه سلفی‌ها از یک قانون مذهبی مشابه پیروی می‌کنند (Wiktorowicz, 2006).

مفهوم توحید مهمترین مسئله عقیدتی سلفیت است. توحید و اهمیت آن موضوعی نیست که تنها مورد توجه سلفیت باشد بلکه توحید نزد تمامی مسلمانان بزرگ‌ترین رکن اسلام می‌باشد اما نکته اینجاست که سلفیت موضوعاتی را ناقض توحید می‌داند که نزد بیشتر مسلمانان به عنوان ناقض و شکننده توحید شناخته نمی‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های مشترک سلفیت موضوع مخالفت با بدعت‌ها و نوآوری در دین می‌باشد. سلفی‌ها معتقدند که هر اعتقاد و عملی که از قرآن یا سنت سرچشمه نگرفته باشد یک نوآوری (بدعت) است که در برابر توحید قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های سلفیون عدم تقلید از ارباب مذاهب یا فقهای بزرگ صدر اسلام می‌باشد. رجوع مستقیم به نص (قرآن و حدیث) باعث می‌شود که سلفیون خود را پای بند تمام و کمال به یک مذهب خاص از مذاهب اربعه اهل سنت ندانند. فقه معاصر سلفیت بر قرآن و حدیث معتبر متکی است. آن‌ها تبعیت و تقلید از علمای قرون اولیه را جایز نمی‌دانند و پیروی از علمای فقیه و دیگران از دید سلفیت (به دلیل هوا و میل انسان و احتمال انحراف و ناصواب بودن) برای توحید، تهدید

محسوب می‌شود. سلفیون به تقلید اهل سنت از ائمه اربعه اعتراض کرده‌اند و آن را از مصادیق تقلید کورکورانه دانسته‌اند. محمد بن عبدالوهاب در موارد زیادی تقلید را مذمت می‌کند. آلبانی یکی از مبلغین وهابیت معاصر نیز مقلدین مذاهب دیگر را دشمنان سنت می‌داند (خراسانی، بی تا). از نگاه سلفیون علماء در طول تاریخ از اسلام ناب دور شدند و به سمت فرقه‌گرایی رفتند. لازم است تا این فرق را حذف کرده و به لب توحید و نص برگشت. لذا درگیری با این دشمن نزدیک از اهداف سلفیون (خاصاً نوع جهادی آن) می‌باشد. این اندیشه به معنای از بین رفتن مسئله اجتهاد و تقلید یا مفتی و مقلد است و «اتباع» در برابر «تقلید» قرار می‌گیرد^۱ (فیرحی، ۱۳۹۲).

اتحاد تاریخی محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود، به شکل گیری اولین دولت سعودی انجامید. از این تاریخ به بعد فراگیر شدن سلفیت (وهابیت) تنها در داخل رخ نداد، بلکه برای فراملی شدن این اندیشه، دولت دست به اقدام شد. عربستان سعودی تبدیل به محور انتقال مبارزات محلی اسلام گرایان به سطح مبارزاتی جهانی در عصر ارتباطات شبکه‌ای شد. به عبارتی عربستان سعودی در پدیده‌ی موسوم به «جهانی شدن جهاد» هم به لحاظ لجستیکی و هم به لحاظ ایدئولوژیک حائز اهمیت شد. اما نکته حائز اهمیت آن است که وهابیت به لحاظ سیاسی هم می‌تواند تسلیم‌گرا و هم می‌تواند انقلابی باشد. بر همین اساس وهابیت در عربستان به دو گروه سازش-گرا و انقلابی تبدیل شد هرچند که دو سر این طیف به لحاظ مسائل اجتماعی، محافظه کارند. وهابیت انقلابی نطفه‌های گروه‌های جهادی از جمله القاعده را در خود داشت (الرشید، ۱۳۹۳).

در یک تقسیم بندی روشن‌تر، این جریانات فکری درون اجتماع سلفیت (وهابیت) را به سه گروه «جامیه»، «سروریه» و «قطیبه» تقسیم می‌کنند. جامیه منسوب به محمد امان الجامی مدرس مسجد النبوی می‌باشد. این گروه همان وهابیت رسمی و حکومتی می‌باشد. جامیه (و یا وهابیت رسمی) در کنار حکومت (آل سعود) قرار دارند و

دسته‌های دیگر سلفی را که خروج بر حاکم را پذیرفته‌اند، (از جمله قطبیه‌ها را) فتنه‌گر و خوارج می‌نامند. جامیه‌ها (جامی‌ها) با صدور فتوا اهداف حکومت را پیش می‌برند مانند فتوای بن باز در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و نیز همکاری با ائتلاف ضد عراق در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ که عربستان نیز در آن شرکت داشت (الرشید، ۱۹۳۹).

از دل وهابیت رسمی و درباری، مخالفانی از جمله صحوی‌ها و جهادیون که متأثر از سروریه و قطبیه بودند قد علم کردند. این مخالفین جدید در کنار دیگر دشمنان تاریخی وهابیت رسمی یعنی لیبرال‌های سعودی، صوفیه، شیعیان و اسماعیلی‌ها قرار گرفتند.

سروریه‌ها و قطبیه‌ها دو گروه از مخالفان وهابیت رسمی می‌باشند. این دو گروه بر خلاف جامیه (سلفیت رسمی) خروج بر حاکم را قبول داشته و قائل به جهاد فردی و با استنباط شخصی‌اند. قطبیه‌ها متأثر از افکار سید قطب هستند. تأثیر آراء سید قطب بر قطبیه‌ها، سازمان الجهاد و القاعده مشهود است. سید قطب و برادرش محمد قطب کسانی بودند که حاکمیت و نظام‌های سیاسی را مورد حمله قرار می‌دادند. برای برپایی قوانین الهی و شریعت و اجتناب از نصب و اجرای قانونی انسانی باید به رأس نظام سیاسی توجه کرد.

آرای ابن تیمیه نزد همه سلفیون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عبدالسلام فرج رهبر سازمان الجهاد که در برابر سلفی‌های حکومتی قرار می‌گرفت، غالب استدلال‌هایش به ابن تیمیه بود و [تحت تأثیر نظرات سید قطب] جهاد را تنها راه مؤثر برای استقرار حکومت اسلامی می‌دانست. این گروه بعد از جهاد افغان با القاعده ترکیب شد (میراحمدی، ۱۳۹۳). در دهه ۱۹۸۰، طبق نظر شیخ بن باز و العثیمین، بن لادن و جهادیون معروفی چون عبدالله عزام فلسطینی مومنانی حقیقی بودند که با کمونیست‌های کافر می‌جنگیدند (الرشید، ۱۳۹۳). آن‌ها با بازگشت به سرزمین خود به دلیل انتقاد از آل سعود مطرود رژیم و علمای رسمی وهابیت شدند.

دخالت رژیم سعودی در افغانستان زمینه‌ی فراملی شدن گفتمان دینی و هابیت را مهیا ساخت و تشکیل القاعده ماحصل آن بود. بعد از اتمام جنگ افغان، اهداف جهادیون (القاعده) نیز تغییر کرده بود. سرنگونی حکومت‌های «مرتد» کشورهای اسلامی، پشتیبانی از شورشیان مسلمان کشورهای سراسر جهان، نابودی رژیم صهیونیستی و نابودی ایالات متحده [البته منظور منافع منطقه‌ای و حضور نظامی آنها در منطقه است] و سرانجام احیای خلافت اسلامی که همه ملت‌های مسلمان را زیر چتر خود یکپارچه کند (گریفیتس، ۱۳۹۴).

۲-۱. مفاهیم محوری سلفیت جهادی و تقابل با بازیگران دیگر

تنها اندیشه سلفی‌گری نیست که جهانی شده، بلکه جهانی‌شدن عملکرد آنها نیز مطرح است. آنچه عملکرد آنها را جهانی کرده است، دیدگاه آنها نسبت به جهاد و پیکار با حکومت‌های (از دید آنها) مرتد کشورهای اسلامی و دول غربی و کافر و منافع آنها در جهان اسلام است. نوع جهادی سلفیت در راستای اقامه شریعت و دعوت، بر وجوب و استعمال «شمشیر» واقف‌اند.

برای درک بهتر موضوع جهانی‌شدن عملکرد سلفی‌گری، بررسی سه محور اندیشگی سلفیت یعنی «امت محوری»، «جهاد» و «تلاش برای احیای خلافت» ضروری است. این سه محور همه سلفیون را در برمی‌گیرد. اختلاف سلفیون تنها در تاکتیک است. به عبارت بهتر تعجیل و تأخیر و یا تقدم و تأخر در فعلیت بخشیدن به آنها سبب اختلاف سلفیون جهادی با دیگر سلفیون است. تعجیل در اجرایی کردن این مفاهیم سبب می‌شود سلفیت جهادی عملکردی فراملی و جهانی به خود بگیرد.

الف. امت باوری

ماهیت دین در روابط بین‌الملل از حقیقت به منبع هویت‌یابی در دنیای معاصر تبدیل شده است (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۲۳). امت به معنای دین و طریقت است، همچنان که کلمه «بی‌امت» در عربی به معنای «بی‌دین» است. «الامه» در قرآن کریم به معنای مختلفی - از جمله دین (نحل/۹۳)، امام (نحل/۱۲۰)، روستا یا مجموعه‌ای از مردم (القصص/۲۳)، قوم (نحل/۹۲) - آمده است؛ اما با توجه به آیات ۱۱۰ و ۱۴۰ سوره آل

عمران، بعضی از مفسران بر این اعتقادند که کلمه امه بر عموم مسلمانان و پیروان اسلام دلالت دارد (الواعی، ۲۰۰۶، ۶۵). از دیدگاه سلفیون جهادی مبنای تشکیل جامعه وجود پیروان دین اسلام بدون توجه به تفاوت‌های دیگر است. اسلام پیوند مستحکمی است که رهروان و پیروان خود را به برادران ایمانی تبدیل می‌کند و امت واحده‌ای را شکل می‌دهد. این مبنا فراتر از مباحث فرهنگی و زبانی و نژادی و سرزمینی و مرزبندی‌های سیاسی ناشی از مدل وستفالی دولت ملی است و از این رو، تمام جهان اسلام را دربرگیرد. تأکید بر امت‌محوری به‌عنوان مبنا در اندیشه سلفی‌گری (به‌ویژه نوع جهادی آن)، آنان را در یک فضای فرامکانی قرار می‌دهد و به تبع آن عملکرد آنان را فراملی و منطقه‌ای و جهانی خواهد کرد. امت‌محوری در سطح منطقه‌ای سلفیون را رویاروی دولت‌های منطقه قرار خواهد داد. در نتیجه، عملکردی فراملی و منطقه‌ای حاصل این رویارویی خواهد بود.

ریشه فکری و اندیشه‌ای مقابله با دولتهای حاکمیت‌دار در جوامع اسلامی را باید ناشی از اندیشه‌های کسانی مانند محمدبن عبدالوهاب و سید قطب دانست. محمدبن عبدالوهاب در کتاب نواقض الاسلام خود در ناقض هشتم آورده است که پشت گیری و همکاری با مشرکین در برابر مسلمین با استناد به آیه ۵۱ مائده سبب نقض و محو اسلام در فرد می‌شود (الفوزان، ۲۰۰۵: ۳۵).

حکام دول اسلامی پای دول کفر (مشرکان و کفار) را به جوامع اسلامی باز کرده‌اند، با آنها مراوده داشته و در برابر جنایات آنان در سرزمین‌های اسلامی سکوت اختیار کرده‌اند. بر این اساس آنها در برابر مسلمانان کفار را یاری می‌دهند. در نتیجه برخورد سلفیون جهادی با این دول مرتد اجتناب ناپذیر خواهد بود. دولی که بر اساس قوانین الهی حکم نمی‌کنند.

اولین گروهی که از جهاد علیه حاکم ظالم استفاده کرد، گروه جهاد اسلامی مصر به رهبری عبدالسلام فرج بود. خالد اسلامبولی از اعضای این گروه بود. به اعتقاد عبدالسلام فرج حاکمان کنونی کشورهای اسلامی از دین برگشته و مرتداند و نبرد با دشمنی که نزدیک است واجب‌تر است. پس تردیدی وجود ندارد که نقطه آغازین ما

باید سرنگونی حاکمان فاسد باشد (شیخ احمد، ۱۳۸۷: ۸). اشغال افغانستان توسط شوروی، تأثیر زیادی در رادیکال تر شدن جهاد داشت. عبدالله عزام نقش برجسته‌ای در جهاد افغان داشت و از او به عنوان ایدئولوگ اصلی القاعده یاد می‌شود او به نقل از ابن تیمیه اولین وظیفه مسلمانان بعد از ایمان را جهاد و دفاع از سرزمین‌های اسلامی می‌دانست (شیخ احمد، ۱۳۸۷: ۱۰).

محمد قطب بیان می‌دارد «انسان در دو حالت [دچار خسران است و] با سر به زمین می‌خورد: هنگامی که طغیان‌گران او را به استضعاف بکشند و او را بنده خود قرار دهند و او هم راضی باشد و [دوم] هنگامی که خود طغیان کند و خود را رقیب خداوند بداند و به جای خداوند قانونگذاری کند» (محمد قطب، ۱۳۹۱: ۱۴). این پیام شامل دو بخش است که مضمون هر دو لزوم قیام در برابر استکبار است. خطاب اول او به اتباع و توده مردم (مسلمانان) است که در برابر طغیان حاکمان قیام کنند. خطاب دوم نیز مستقیماً به خود حکام است که جامعه اسلامی را به سمت حاکم کردن قوانین انسانی می‌برند. محمد قطب هم ضعفای پیرو و هم مستکبران را دوزخی می‌داند.

به دلیل حساسیت منطقه خاورمیانه و وجود منافع قدرت‌های جهانی در این منطقه، نادیده گرفتن مرزهای سیاسی موجود و تلاش برای احیای امت واحده، دخالت بازیگران منطقه‌ای و جهانی را نیز در پی خواهد داشت که این امر به توسعه پهنای جبهه درگیری و عملکرد سلفیون از منطقه‌ای به جهانی منجر خواهد شد. در این صورت به قول پاییز سلفیون جهادی عنوان «کمونیسم جدید» را یدک خواهند کشید و همان جبهه قبلی در برابر آن قرار خواهد گرفت (توانا، ۱۳۹۰: ۱۳).

ب. جهاد

جهاد و تفکر جهادی اندیشه‌ای فراملی و جهانی است. جهاد، تلاش بی‌امان در راه گسترش دین اسلام و گسترش دارالاسلام می‌باشد. البته این تعریف، تنها یکی از جنبه‌های جهاد اصغر را شامل می‌شود، اما نزد سلفیت جهادی معنای غالب «جهاد» است. در این زمینه، کیس و اتر بیان می‌کند که قتال یا جهاد نزد ابن تیمیه بر جهاد اکبر

(جهاد نفس) برتری داشت (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۳۵). در زمینه برجسته کردن مفهوم جهاد، ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳-۱۹۷۹م) اولین کسی بود که واژه جهاد را وارد ادبیات سیاسی معاصر کرد. نوشته‌های او بر اشخاصی دیگر از جمله حسن البنا و سید قطب تأثیر نهاد. سید قطب به صورت مبسوطی واژه جهاد را وارد ادبیات گروه‌های نظامی اسلامی کرد. سید «موعظه» و «جنبش» یا «کتاب» و «شمشیر» را در کنار هم قرار می‌دهد و هر دو را لازم و ملزوم یکدیگر می‌داند. از نظر او مسلمان واقعی کسی است که «در راه اعتلاء و برتری کلمه حق (نام خدا)» به جهاد مشغول است (شیخ احمد، ۱۳۸۵: ۶).

سید قطب رهبر موج نخست جهادگرایی بود. رژیم‌های عربی طرفدار غرب و سکولار که دشمن نزدیک خوانده می‌شدند، هدف اصلی این نوع جهاد بود. عملکرد بزرگ آنها ترور انور سادات در سال ۱۹۸۱ بود. با آغاز جنگ افغانستان و اعزام شبه نظامیان اسلامی به جنگ با اتحاد شوروی و خروج این کشور از افغانستان، بن‌لادن (القاعده) به عنوان رهبر موج دوم جهادگرایی ظهور کرد. این بار تمرکز بر دشمن دور یعنی غرب بود (Gerges, 2014: 15). شاید بتوان داعش را موج سوم جهادگرایی دانست که با تمرکز بر دشمن نزدیک همزمان علیه دشمن دور نیز اقدام می‌کند.

در گذشته، جهاد به فرمان حاکم اسلامی (خلفاء یا امیران) و با فتوای علماء، برای توسعه دارالاسلام و در برابر کفار (دارالکفر) صورت می‌گرفت. در مورد سلفی‌گری جدید (نوع جهادی آن) این شرایط و موارد دچار تغییر و تحول شده است. اکنون نیازی به فرمان حاکم اسلامی نیست چون اصولاً در دیدگاه سلفی‌گری حاکمان سرزمینهای اسلامی، دست‌نشانده کفارند و دچار ارتداد شده‌اند. افراد نیز با توجه به شرایط موجود خود می‌توانند بدون اجازه و فتوای علماء به جهاد قیام کنند. هدف از جهاد نیز از نگاه سلفیت جهادی در مرحله اول مبارزه داخلی و گسترش عقیده سلفیت در سرزمین‌های اسلامی است. نهایتاً در ارتباط با مورد چهارم هدف جهادگرایان سلفی از جهاد (فعلاً و در مرحله اول) مبارزه با حکام مرتد اسلامی و عقاید انحرافی در داخل جوامع اسلامی است، یعنی آنچه تحت عنوان «دشمن

نزدیک» (عدو القریب) از آن یاد می‌کنند. اما در این چارچوب، با منافع کفار در دول اسلامی نیز مبارزه می‌کنند و در صورت لزوم اقداماتی را نیز در درون جوامع غربی (کفار) انجام می‌دهند.

از دید سلفیت جهادی [مانند القاعده و داعش] پیکار با مشرکان و دشمنان اسلام نیازمند اجتهاد نیست، همچنان که خروج بر حاکم مرتد نیاز به اجتهاد ندارد. آن‌ها در پاسخ به مسئله «جهاد بدون امام» معتقدند زمانی که بلاد بزرگ اسلامی به وسیله «طوغیت» اداره می‌شود و خود امام کافر است، منتظر امام عادل ماندن و ساکت نشستن جایز نیست (علی عبید، ۲۰۰۸: ۱۵۳-۱۶۲).

از دیدگاه سلفی‌گرایان، انسان‌ها را می‌توان بر اساس موضع آنها در برابر خداوند به سه دسته تقسیم کرد: گروه نخست کسانی هستند که تسلیم خداوند نشوند و در برابر او کبر و کفر بورزند. این گروه اکثریت انسان‌ها را در بر می‌گیرند و «کفار» نامیده می‌شوند. گروه و دسته دوم کسانی هستند که هم تسلیم خداوند و هم غیر او می‌شوند. اینان «مشرک» اند. دسته سوم نیز کسانی‌اند که خدا را یگانه پندارند و تنها تسلیم او باشند که شامل «موحدین» می‌شوند (صالح بن فوزان، ۲۰۰۵: ۱۵-۲۰).

بر اساس تقسیم‌بندی فوق، سلفیون جهادگرا خود را دسته سوم (موحدین) می‌پندارند که وظیفه آنها دفاع از عقیده صحیح خود در برابر دو گروه دیگر (کفار و مشرکان) است. مبارزه با هر کدام از این دو دسته حکم جهاد را دارد. اما در اولویت‌بندی میان این دو دسته و مقابله با آنها، جهادگرایان دو قسم‌اند. عده‌ای از جهادیون مبارزه با مشرکان داخلی (دشمن نزدیک) را در اولویت قرار می‌دهند و عده‌ای نیز مبارزه با کفار (دشمن دور) را در دستورکار جهادی خود قرار می‌دهند. اما در هر صورت، هر دو گروه عدو و دشمن موحدانند و تفاوت جهادیون مربوط به اولویت و ارجحیت مبارزه با آنها می‌باشد. نتیجه عملی این تفکر این است که جبهه جهادگرایان وسعت و عملکردی جهانی می‌یابد، یعنی جهاد، جهانی می‌شود.

یکی از دشمنان نزدیک نزد جهادیون، صوفیان می‌باشند. برای مثال، ابن تیمیه تصوف را بدعتی می‌دانست که در قرون مفضله وجود نداشته است. او ظهور تصوف را

ناشی از ترجمه کتب یونانی، هندی و فارسی به عربی و نیز ظهور سلاطین در ولایات غیرعرب به ویژه مناطق فارس می‌داند. بر همین اساس، سلفیون تصوف را از اسلام نمی‌دانند و ریشه‌های آن را به عقاید و کتب فلاسفه یونان و هند و کتب ابن عربی و سهروردی و ... منتسب می‌کنند و آن را موجب دور کردن مردم از قرآن و حدیث می‌دانند (علی عبید، ۲۰۰۸: ۴۰۵). جهاد و رویارویی با دشمنان و دگراندیشان دینی هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح جهانی، سلفیون جهادی را درگیر خود خواهد کرد. به دلیل حساسیت و جهانی بودن منطقه خاورمیانه، قدرت‌های جهانی یعنی همان دشمنان دور سلفیت در برابر این جریان موضع خواهند گرفت. سلفیون جهادی نیز چه در منطقه علیه منافع آنها و چه در داخل جوامع غربی عکس‌العمل خواهند داشت؛ مانند ۱۱ سپتامبر و یا ۱۳ نوامبر که دولت اسلامی عراق و شام در پاریس انجام داد. این موضوع دامنه و گستره عملکرد سلفیون جهادی را جهانی خواهد کرد به نحوی که سلفیون با یک تهدید شهروندان آمریکا و پاریس و کشورهای دیگر را به وحشت خواهند انداخت. جان آدامسون بیان می‌کند که «القاعده سیاست‌های آمریکا را در قبال منطقه تغییر داد؛ حملات ۱۱ سپتامبر وحشت را به زندگی مردم عادی آمریکا تزریق کرد و در بین مردمی که با هواپیما و اتوبوس سفر می‌کنند و آنهایی که در ادارات دولتی کار می‌کردند، تهدید تروریسم را به وجود می‌آورد» (Adamson, 2011: 6).

مشرکان، از نگاه سلفیون جهادگرا، هم گروه‌های اسلامی مانند صوفیان و شیعیان و هم اقلیت‌های غیرمسلمان مانند مسیحیان، یهودیان، آشوریان و ایزدیان و ... را نیز دربرمی‌گیرند. برخورد و جهاد با اقلیت‌های غیرمسلمان نیز عکس‌العمل نهادها و سازمان‌های حقوق بشر بین‌المللی و حتی دخالت نظامی قدرتهای جهانی را می‌تواند در پی داشته باشد. برای مثال، تهدید علیه رژیم صهیونیستی دخالت آمریکا را به دنبال خواهد داشت. چنانچه در حمله داعش به شهر سنجار شاهد بودیم، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی اقدامات وحشیانه داعش علیه ایزدی‌های سنجار را به شدت محکوم کردند و برای آزادسازی آنها، پیشمرگان کرد را تقویت کردند و نیروهای

ائتلاف به صورت حملات هوایی مواضع گروه دولت اسلامی عراق و شام را هدف قرار دادند و در نهایت موفق به آزادسازی این شهر از دست داعش شدند (کردپرس، ۱۳۹۴/۸/۲۲). امروزه تجلی سلفیت جهادی که معتقد به افضلیت و اولویت مبارزه و جهاد با دشمنان نزدیک است، دولت اسلامی عراق و شام می‌باشد. نطفه‌های این گروه در عراق شکل گرفت. به قدرت رسیدن شیعیان در عراق (که اکثریت را دارا هستند) سبب شد مبارزه با حکومت شیعیان به هدف اصلی آنان تبدیل شود. سلفیون جهادی (و در کل وهابیت/سلفیت) از واژه «روافض» برای اهل تشیع استفاده می‌کنند. گروه دولت اسلامی عراق و شام، از حکومت شیعی عراق و نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان «صفویه» یاد می‌کنند. دولت اسلامی عراق و شام، شیعیان عراق را «دشمن و مشرک» و حکومت عراق را دست نشانده ایران می‌داند (Katzman, 2014:18). از دیدگاه آنها، مبارزه با حکومت شیعی عراق مبارزه با منافع جمهوری اسلامی ایران است و در آینده و در صورت به دست‌گیری قدرت در عراق، سلفیون جهادی می‌توانند به صورت مستقیم ج.ا.ایران را تهدید کنند. البته، در صورت قدرت‌گیری در سوریه نیز می‌توانند برای شیعیان لبنان تهدیدی مستقیم باشند. با این اوصاف، جهاد با دشمنان منطقه‌ای مستلزم عملکرد جهانی است. جان اسپوزیتو بیان می‌دارد در ایدئولوژی گروه‌های سلفی‌گرای جهادی (مانند القاعده) جهان به دو منطقه دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌شود و شعار «هرکس با مانیت، برم است» را علمی می‌کنند (شیخ احمد، ۱۳۸۷: ۱۳).

ج. احیای خلافت

در اندیشه سلفی‌گری، عنصر هویت ساز، دین اسلام است نه ملیت و عناصر آن مانند زبان، سرزمین و غیره. بنابراین انکسار حدود و مرزهای سیاسی دولت‌های ملی و تلاش برای بازگرداندن نهاد فراملی خلافت (از طریق جهاد) از نتایج امت‌باوری سلفی‌گری می‌باشد. برای مثال، انکسار حدود (شکستن و برداشتن مرزهای حاصل از قرارداد سایکس - پیکو) یکی از اهداف بزرگ گروه دولت اسلامی عراق و شام می‌باشد که حتی به صورت موقت در بخشهای تحت سلطه خود در عراق و سوریه

این اندیشه را عملی ساخته است. خلافت یک نهاد فراملی در تاریخ اسلام است که با الغای آن اکنون حاملان اندیشه سلفی‌گری (مانند داعش) به دنبال احیای مجدد آن هستند؛ خلافتی اسلامی که همه ملت‌های مسلمان را زیر چتر خود یکپارچه کند. بازگشت و احیای خلافت یکی از شاخصهای جهانی بودن اندیشه سلفی‌گری است که خود از امت‌محوری آن ناشی می‌شود و در برابر حکومت ملی قرار می‌گیرد.

احیای خلافت نیز به عنوان هدف نهایی در اندیشه سلفیون جهادی، در سه سطح داخلی (دگراندیشان سیاسی و مذهبی) و منطقه‌ای و جهانی مخالفانی خواهد داشت. این مسئله جبهه عریضی را در برابر آنها می‌گشاید و در نتیجه باید در هر سه سطح فعالیت داشته باشند. به گفته ابراهیمی، دیگری سلفیت یا دنیای غرب یا دولتها و افراد سکولار است. برای مثال، گروه دولت اسلامی بر این باور است که اقتدار و مشروعیت مذهبی بر همه مسلمانان دارد زیرا خلافت را احیاء کرده است و مسلمانان باید به دارالاسلام آنان مهاجرت کنند (Schmid, 2015:14).

در سطح خرد، دشمنان سلفیت جهادی را می‌توان به دو بخش فروملی و ملی تقسیم کرد. در سطح فروملی، حاملان اندیشه‌های سیاسی از جمله لیبرال‌ها، مارکسیست‌ها و ناسیونالیست‌ها، که می‌توان آنها را «دگراندیشان سیاسی» نامید، دشمنان سلفی‌گری هستند. براین اساس، می‌توان گفت که گفتمان سلفی‌گری در مقابل گفتمانهای مدرن و سنتی که به ادغام دین و سیاست باور ندارند، قرار می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۰). در سطح ملی نیز نظام سیاسی یا دولت حاکمیت‌دار مانعی جدی در برابر اندیشه احیای خلیفه‌گری است. در همین چارچوب، به قدرت رسیدن سلفیون جهادی در عراق و سوریه، به دلیل ضعف دولت‌های ملی در این کشورها بوده است.

سلفیون جهادی و تشکیل خلافت اسلامی در سطح کلان نیز مخالفان و دشمنانی دارند که در دو سطح منطقه‌ای و جهانی قابل ارزیابی است. بازیگران دولتی منطقه‌ای، تشکیل یک خلافت اسلامی قدرتمند را که تهدیدی علیه حاکمیت آنها باشد، برنمی‌تابند.

از سوی دیگر، در سطح جهانی نیز، احساس خطر از گسترش گروه‌های سلفی جهادی وجود دارد، به گونه‌ای که منجر به اتخاذ سیاست تقابل قدرتهای بزرگ با آنها شده است. این تقابل به دلیل حساسیت منطقه خاورمیانه و حضور غرب در آن، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. این واقعیت را در یکی از سخنان بن لادن، رهبر سابق القاعده آشکارا می‌توان مشاهده کرد: «به خداوند سوگند که آمریکا و کسانی که در آن زندگی می‌کنند، روی امنیت را نخواهند دید مگر آنکه ما در فلسطین امنیت داشته باشیم و ارتشهای کفر سرزمین رسول الله را ترک گفته باشند...» (جوان شهرکی، ۱۳۸۷: ۲۰).

شکل (۱). «مدل مفهومی جبهه گسترده فعالیت سلفیت جهادی»





۳. جهانی شدن سلفیت داعشی

فرآیند جهانی شدن در پرتوی گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات وضعیت تعارض گونه را ایجاد کرده است. یکی از ناامنی‌هایی که جهانی شدن به وجود می‌آورد، تهدیدهای هویتی است. فرهنگ‌های غیر غربی به بنیادگرایی فرهنگی روی می‌آورند. از این دیدگاه، جهانی شدن به عنوان غربی‌سازی، به ویژه آمریکایی شدن، قلمداد می‌شود (Moghaddam, 2009:4).

در واقع، در اثر جهانی شدن، کنشگران جدید و «فرهنگ‌های سومی» - مانند جنبش‌های فراملی و سازمان‌های بین‌المللی - پدید می‌آیند که به صورت منفی یا مثبت نسبت به وضعیت جهانی واکنش نشان می‌دهند (رابرتسون، ۱۳۸۸: ۱۳۷). در این

میان سلفیت جهادی توانسته که بر اساس الزامات اندیشه‌ای خود و با بهره‌گیری از شاخص‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی عملکردی جهانی داشته باشد. نمونه بارز و برجسته گروه‌های جهادی، گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) است که در یک محدوده زمانی نسبتاً کوتاه توانست بخش‌های زیادی از جهان را به میدان فعالیت خود تبدیل کند و حتی مناطق وسیعی از عراق و سوریه را به اشغال خود درآورد.

۱-۳. جهان‌گیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و جهانی‌شدن گسترده فعالیت جهادیون

جهانگیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات را باید در دو محور بررسی کرد. این جهانگیری از یک سو شامل جهانی‌شدن زیر ساخت‌های ارتباطی (مجراها) و از سوی دیگر شامل استعداد جهانگیرشدن اندیشه‌ها (محتوا) از طریق مجراها می‌باشد. جهانی‌شدن سلفیت جهادی را نیز باید هم شامل جهانی‌شدن بعد اندیشه‌ای آن و هم شامل عملکرد آن دانست. این هر دو بعد اندیشه‌ای و عملکرد نیز ناشی از جهانگیری فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات بوده است.

چنانچه در بخش دوم مقاله بیان شد اقتضای مبانی اندیشه سلفیون جهادی، فعالیت وسیع و گسترده جهانی است. به دلیل امت‌محوری و امت‌باوری، تشکیل «امت اسلامی» هدف سلفیت جهادی است. امت‌محوری سبب فعالیت و تبلیغ جهانی می‌شود و راه رسیدن به امت واحد اسلامی نیز جهاد خواهد بود. تفکر جهادی عرصه جهانی را به میدان فعالیت و مبارزه تبدیل می‌کند. ویژگی این نوع جهاد نیز، مبارزه در هر نقطه از جهان، علیه دشمنان ریز و درشت سلفیت جهادی می‌باشد. دشمنانی که شامل طیفی از سطح فروملی تا جهانی‌اند. گروه دولت اسلامی به دنبال احیای خلافت و برانگیختن یک جنگ مذهبی جهانی است. قالب استراتژی داعش شامل سه حلقه جغرافیایی زیر است:

نخست، حلقه درونی (داخلی): شامل عراق و شامات (سوریه، اردن، لبنان، فلسطین) می‌باشد. در حال حاضر، تمرکز اصلی این گروه بر عراق و سوریه، حفظ قسمت‌های

تحت کنترلشان و دفاع جانانه از آن در برابر نیروهای دولتی، شبه نظامیان و دیگر گروه‌های جهادی است و همزمان با این هدف و در ارتباط با دیگر دولتهای این حلقه، دست به اقدامات تروریستی می‌زند.

دوم، حلقه خارجی نزدیک: شامل دیگر دولتهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. به طور کلی سرزمین‌هایی که در گذشته تحت لوای خلافت اسلامی بوده‌اند در این حلقه قرار می‌گیرند. اقدامات تبلیغی ماهواره‌ای و اعلام ولایت و ایجاد شاخه‌های منطقه‌ای در آنها از جمله اقدامات داعش در این حلقه می‌باشد. داعش گروه‌های محلی را تشویق به بیعت دادن به خود می‌کند. ایجاد ولایت در الجزایر، عربستان، یمن، سینا در مصر، لیبی، فلسطین، افغانستان، پاکستان، تاجیکستان و کشورهای غرب آفریقا از جمله اقدامات داعش است. دشمنان داعش در حلقه خارجی نزدیک، رقیبان ایدئولوژیکی آنان، القاعده، ایران و نیز اقتدارهای دولتی منطقه خواهند بود. داعش به دنبال ایجاد آشوب در این حلقه می‌باشد. مبارزه و نابودی این دشمنان از اهداف بلند مدت داعش می‌باشد (این مطلب برگرفته از گزارش موسسه مطالعات جنگ (ISW) با عنوان "ISIS's global strategy" در سال ۲۰۱۵ می‌باشد).

سوم، حلقه خارجی دور: شامل کشورهای دیگر مخصوصاً اروپا و آمریکا می‌باشد. داعش در ارتباط با این حلقه بر اقدامات تروریستی تاکید و تمرکز دارد. در این حلقه داعش برای به دست گرفتن رهبری جهاد جهانی در حال رقابت با القاعده می‌باشد. داعش از طریق حملات تروریستی در اروپا و آمریکا به دنبال قطب‌بندی جهان است (ISW, 2015:9-12). این سه حلقه را می‌توان به شکل دیگری یعنی هدف کوتاه‌مدت (مستحکم کردن و ریشه دواندن در منطقه تحت نفوذشان در سوریه و عراق)، هدف میان‌مدت (پیشروی به سوی کشورهای سنی همسایه) و در نهایت هدف بلندمدت (تسلط بر جهان) بیان کرد. جهادیون بر اساس امت محوریشان، مبارزه در هر نقطه‌ای از جهان را در برابر دشمنان اسلام وظیفه خود می‌دانند. بر این اساس «عضوگیری» گروه‌های جهادی (مانند داعش) جهانی است. برای مثال، اعضا

از سراسر جهان در یک گروه جهادی به یکدیگر ملحق می‌شوند و در یک کشور مانند سوریه به جنگ می‌پردازند.

۲-۳. قاعده‌گرایی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و عملکرد شبکه‌ای سلفیت

جهادی

یکی از کارکردهای اینترنت و وب جهان‌گستر، شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف است. در کل فناوریهای اطلاعات و ارتباطات با فشرده‌سازی زمان و مکان سرعت ارتباطات و پیوندهای درون سازمانی فعالان و هواداران یک جنبش را که به لحاظ جغرافیایی از یکدیگر فاصله دارند، به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش داده است (سردارنیا، ۱۳۸۷: ۱۵۵). ارتباطات الکترونیکی جهانی به افراد و گروه‌های تندرو اجازه می‌دهد تا برای ایجاد شبکه‌های رادیکالی باهم در ارتباط باشند. افراد و گروه‌های بنیادگرا که قبلاً در انزوا بودند، بدون پشتیبان و تنها یک تهدید کوچک محسوب می‌شدند، اکنون از طریق ارتباطات الکترونیک و شبکه‌های حمل و نقل گسترده می‌توانند از سیستم‌های گسترده در سراسر جهان تبدیل به یک تهدید بزرگ شوند (Moghaddam, 2009: 5).

یکی از ویژگی‌های مدرن سلفیت شکل سازمانی آن است. در سلفیت کلاسیک ارتباطات به صورت شبکه‌های مذهبی طلاب بود، ولی فعالیت و ارتباط مدرن این گروه از طریق اینترنت است. از دهه ۱۹۹۰ به بعد، سلفیت دارای یک تشکیلات جهانی است و به عنوان یک جنبش جهانی شناخته می‌شود (Meijer, 2009: 19). گروه دولت اسلامی عراق و شام توانسته است شاخه‌های وابسته به خود را در سرزمین‌های اسلامی ایجاد کند و به صورت شبکه‌ای دست به فعالیت بزند، به گونه‌ای که استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی ارتباط بین سازمان مرکزی و شاخه‌های آن مهیا کرده است. الجزایر، تونس، لیبی، مالی، نیجریه، سودان، مصر، یمن، عربستان سعودی، پاکستان، افغانستان، هند، فیلیپین، اندونزی و ... کشورهای مسلمان و یا دارای جمعیت مسلمانی هستند که در آنها گروه‌هایی با دولت اسلامی عراق و شام بیعت کرده‌اند (Cordesman, 2015: 7-17).

در لیبی، رهبران گروه دولت اسلامی سه بخش از لیبی را جزء ولایات دولت اسلامی اعلام کرده‌اند. گروه انصارالشریعه که سابقاً به القاعده بیعت داده بود، در نوامبر ۲۰۱۴ با داعش بیعت کردند. این گروه در ژانویه ۲۰۱۵ در حمله به هتلی در تریپولی ۹ نفر را کشتند. پیشرفت داعش در لیبی برای گروه‌های سلفی غیر جهادی و اخوانی‌ها تبدیل به یک چالش شده است (Ashour, 2015:12). در هند، افغانستان و پاکستان شبه‌نظامیانی منسوب به داعش در حال فعالیت‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که چندین گروه افراطی سنی به داعش بیعت داده‌اند. سلول‌های داعش در خلیج فارس مخصوصاً در عربستان سعودی مشغول فعالیت‌اند. کشتن چندین نفر از شیعیان عربستان سعودی و تیراندازی به یک پیمانکار دانمارکی از اقدامات منسوب به سلول‌های داعش در عربستان سعودی می‌باشد. یکی از مهمترین گروه‌های رادیکال مصر، انصار بیت المقدس است که در سال ۲۰۱۴ با داعش بیعت کرد. این گروه در شبه‌جزیره سینا به معضلی برای دولت مصر تبدیل شده است. انقلاب مصر کنترل دولت را بر این منطقه تضعیف کرد و به این گروه فرصت رشد داد. انصار بیت‌المقدس در ژانویه ۲۰۱۵ و در یک حمله در العریش، ۲۶ سرباز مصری را کشتند. در نیجریه، رهبر بوکو حرام نیجریه در ژوئیه ۲۰۱۴ در یک ویدئویی حمایت این گروه از داعش و القاعده را اعلام کرد. القاعده شبه جزیره عرب در یمن نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. با سقوط رئیس جمهور در ژانویه ۲۰۱۵ و وضعیت جدیدی که در یمن حادث شد، القاعده و داعش به بهانه دفاع از اهل سنت وارد این کشور شدند^۱ (House of Commons, 2015: 28). از ۸۰ کشور جهان هزاران نفر برای پیوستن به گروه‌های تندرو جهادی وارد سوریه شده‌اند. حدود ۸ هزار نفر از کشورهای عرب همسایه، ۳ هزار نفر از کشورهای غربی و تعدادی نیز از بالکان وارد

1 ISIS And The Sectarian Conflict In The Middle East
RESEARCH PAPER 15/16 /House Of Commons

سوریه شده‌اند (House of Commons, 2015: 32). اما فعالیت‌های شبکه‌ای دولت اسلامی تنها محدود به جهان اسلام نمی‌شود. داده‌ها نشان دهنده فعالیت جهانی این گروه از اشغال سرزمین در عراق و سوریه و اعلام خلافت در آن تا اعلام ولایات در مناطق مختلف جهان اسلام و حملات تروریستی در آمریکا، اروپا، استرالیا و نقاط دیگر از جهان می‌شود.

۳-۳. ایجاد فضای مجازی توسط فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و فعالیت

رسانه‌ای سلفیت جهادی

تعاملی بودن، تمرکززدایی، انعطاف‌پذیری، و ناهمزمانی از ویژگی‌های اینترنت می‌باشد (رحمان زاده، ۱۳۸۹: ۲۰). فعالان عرصه جهانی بدون شک نمی‌توانند نسبت به اهمیت روزافزون دنیای مجازی بی‌تفاوت و بی‌توجه باشند. تلاش‌های رسانه‌ای دولت اسلامی یک بخش مهم از عملیات آنها در کنار عملیات نظامی و مسلحانه است. در همین راستا، این گروه به طور زیادی از ماهیت غیرمتمرکز رسانه‌های جمعی (مخصوصاً توئیتر) کمک می‌گیرند، ماهیتی که به کاربران اجازه می‌دهد تا بتوانند به ایجاد، تولید و انتشار محتوا (پیام‌های خودشان) پردازند. دولت اسلامی از این منبع برای تبلیغ استفاده می‌کند (Barrett, 2014: 55). گروه دولت اسلامی از طریق رسانه‌های جمعی نیز دست به تبلیغات می‌زند. انتشار عمومی گزارش‌های دوره‌ای، پیام‌های صوتی و تصویری از پیشرفت‌های [گروه در عرصه نظامی و میدانی] به زبان‌های مختلف از جمله عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسه و روسی از اقدامات رسانه‌ای این گروه است (Tucker, 2014: 5). دولت اسلامی دارای یک بخش رسانه‌ای منظم و سازمان‌یافته می‌باشد. برای مثال، ویدئوی طولانی «شعله‌های جنگ» در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۴ که توسط دولت اسلامی و از طریق کانال رسمی خود یعنی رسانه الحیات، انتشار یافت، بازتاب گسترده‌ای داشت. ده‌ها هزار کاربر به این لینک‌ها متصل شدند و آنها نیز خود این لینک‌ها را دوباره انتشار دادند. در ضمن این ویدئو در یوتیوب نیز گذاشته شد. تنها در عرض چند ساعت در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۴، ۱۸۵۳۸ نفر این ویدئو

را بازدید کردند. این نشان می‌دهد که دولت اسلامی می‌تواند به طور مستقیم پیام خود را انتشار دهد و بر مخاطبان مورد نظر خود تأثیر بگذارد (Barrett, 2014: 57). بخش رسانه‌ای دولت اسلامی بسیار مولد است و این گروه با استفاده از آن می‌تواند تصویر خود را ارتقاء دهد و به جذب نیرو بپردازد و نیز در میان دشمنان خود ترس را انتشار دهند. تهیه فیلم خشونت‌آمیز «جنگ جرنگ شمشیرها»، درست قبل از حمله به شمال عراق در ژوئن ۲۰۱۴، مثال خوبی است که نشان می‌دهد هدف این گروه جذب نیرو و ترساندن دشمنان است.

توئیتر مهم‌ترین رسانه اجتماعی گروه دولت اسلامی است. اما در کنار این، از رسانه‌های اجتماعی کمتر شناخته شده مانند Quitter و Diaspora استفاده می‌شود. در صورت تعلیق نیز به دلیل ماهیت غیرمتمرکز توئیتر، این گروه می‌تواند از طریق حساب‌های دیگری وارد شود. برای مثال در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴ توئیتر، صفحه «الاعتصام» را به حالت تعلیق درآورد. این صفحه ۵۰ هزار عضو داشت و خروجی اطلاعات مرکزی دولت اسلامی بود. اما آنها از طریق حساب‌های دیگری دوباره وارد شدند. حساب‌های تأثیرگذار دولت اسلامی در توئیتر معمولاً حدود ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ عضو دارند. لذا محدود کردن آنها بسیار سخت است و زمانی که به حالت تعلیق در می‌آید کاربر به سادگی می‌تواند حساب‌های دیگر را باز کند (Barrett, 2014: 59).

بال رسانه‌ای این گروه «الفرقان» است که پیام‌های رهبری را به صورت ویدئویی مخابره می‌کند. یکی از تولیدات این رسانه مجموعه‌ای از پیروزیهای جدید داعش با عنوان «پیام‌های سرزمین جنگ‌های حماسه‌ای» است. صفحات رسمی دیگری مانند «Ajna» وجود دارد که اقوال مذهبی را مخابره می‌کند. به علاوه، هر کدام از ایالات دولت اسلامی رسانه مخصوصی دارند که تمرکز آنها بر مسائل و اخبار محلی است (Barrett, 2014: 60). مرکز رسانه‌ای «الحیات» به عنوان یک کانال نفرگیری چندزبانه عمل می‌کند و به دنبال جذب عضو خارجی مستعد است. یکی از تولیدات آن سلسله ویدئوهایی با کیفیت بالای تبلیغاتی با عنوان «Mujatweets» است. این ویدئوها جنبه‌های گوناگون زندگی روزانه در دولت اسلامی، از جنگ و مبارزه

در عراق و سوریه گرفته تا گفته‌ها و شهادت‌های جنگجویان غربی در باب ملحق شدن آنها به دولت اسلامی را نشان می‌دهند. الحیات همچنین برای فیلم‌ها و ویدئوهایی که توسط دیگر کانال‌های دولت اسلامی از قبیل الاعتصام و الفرقان بیرون داده می‌شود، زیر نویس انگلیسی تهیه می‌کند.

در زمینه مطبوعاتی نیز، دولت اسلامی روزنامه‌ای با عنوان ISN (اخبار دولت اسلامی) را انتشار می‌دهد. این روزنامه در ۶ صفحه پی.دی.اف همراه با تصویر و یادداشت‌های تبلیغاتی به زبان انگلیسی می‌باشد. این مطالب رسانه‌ای را می‌توان از طریق وب سایت‌های آزاد و مستقل یافت. علاوه بر روزنامه مذکور، ISR (گزارش دولت اسلامی) نیز شامل مقالاتی در باب رویدادهای مربوط به دولت اسلامی و لیست موضوعات مورد بحث (مسائل روز) می‌باشد.

این گروه همچنین مجله‌ای با عنوان «دابق» (Dabogh) منتشر می‌کند. دابق مدل توسعه‌یافته گزارش‌های دولت اسلامی است که کاملاً به زبان انگلیسی می‌باشد. مجله دابق شبیه به مجله انگلیسی زبان القاعده یعنی Inspire است، اما محتوای آنها باهم متفاوت است. طراحی مجله دابق برای جذب نیروهای خارجی می‌باشد و به شیوه‌ای پیشرفته‌تر چاپ می‌شود. این مجله حاوی تفسیر متون اسلامی برای توجیه اقدامات دولت اسلامی است. این مجله از به تصویر کشیدن خشن‌ترین و افراطی‌ترین اقدامات دولت اسلامی ابائی ندارد. اعمالی مانند گروگان‌گیری، قتل عام اشخاص و به اسارت گرفتن زنان و عکس‌های گرافیکی گرفته شده از رهبران گروه و کشته شدگان را انتشار می‌دهند. دابق اشاره به نام مکانی در شمال سوریه می‌باشد که عثمانی‌ها در آنجا بر مملوکان مصر پیروز شدند. دابق همچنین اشاره به حدیثی دارد که الزرقاوی آن را نقل می‌کرد که در آن آمده که دابق نام جایی است که اسلام به پیروزی بزرگی بر کافران خواهد رسید و در نهایت بر تمام جهان سیطره خواهد یافت (Barrett, 2014: 61-63).

لیث الحوری یک پژوهشگر در پژوهشکده «فلش پونیت گلوبال پارتنس» می‌گوید که گروه تروریستی داعش از شبکه اجتماعی تلگرام برای انجام اقدامات خود استفاده

می‌کنند. مسئولین تلگرام اعتراف می‌کنند که این شبکه اجتماعی تبدیل به محلی امن برای فعالیت‌های تروریستی داعش شده است (روزنامه ایران، ۱۳۹۴/۸/۳۰). دولت اسلامی نشان داده که به اهمیت و استفاده از رسانه‌ها واقف است. قرار گرفتن تصاویر و اخبار این گروه در شبکه‌های اجتماعی موجب بازتاب آنها در شبکه‌های بزرگ خبری بین‌المللی می‌شود. این اقدام به صورت غیر مستقیم در راستای هدف دولت اسلامی می‌باشد.

نتیجه‌گیری

فشرده‌گی زمان و مکان حاصل از جهانی شدن در عصر حاضر در هیچ دوره‌ای به مانند امروز نبوده است. در واقع گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از اواخر قرن بیستم به بعد عصر جدید را از دوران کلاسیک به شدت متمایز کرده است. در این پژوهش و در بخش نخست به سه شاخص فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات پرداخته شد. این سه شاخص عبارت از «جهانگیری»، «قاعده‌گریزی» و «ایجاد فضای مجازی» بود. جهانگیری فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شامل سهولت در دسترسی به این فناوری‌ها بوده است به نحوی که زیرساختها و مجاری ارتباطی جهان را در نوردیده است. قاعده‌گریزی نیز حاوی این معناست که دولتها به عنوان بازیگران اصلی توانایی کنترل کامل این فناوری‌ها را ندارند و بازیگران غیر دولتی نیز از این فرصتهای ایجاد شده در راستای تحقق اهداف خود بهره برداری می‌کنند. مقوله دنیای مجازی نیز فرصتی برای اشاعه پیام در اختیار بازیگران گذاشته است.

در بخش دوم مقاله نیز معنا و مفهوم سلفیت مورد بررسی قرار گرفت و به این موضوع پرداخته شد که مقتضای اندیشه‌های محوری سلفیت و به ویژه نوع جهادی آن عملکردی جهانی است. این اندیشه‌های محوری عبارت از «امت باوری»، «جهاد» و «احیای خلافت» است. این اقتضای عملکرد جهانی و همراستایی با فناوری‌های ارتباطات و اطلاعاتی جدید موجب شده است که جهان به عرصه و جبهه فعالیت آنها بدل شود. در نتیجه رویارویی آنها با بازیگران ریزو درشت در سطوح فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی اجتناب ناپذیر است. در پایان نیز به عنوان مطالعه موردی به

بررسی جهانی شدن عملکرد گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) پرداخته شد. گروه دولت اسلامی به عنوان یک گروه سلفی جهادی با بهره گیری از امکانات گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به تحقق اهداف خود پرداخته است.

منابع

الف - فارسی

- ابن تیمیه، ۱۳۸۶، **مختصر منهاج السنه**، ترجمه اسحاق دبیری
- ابن تیمیه، **امامت در پرتو کتاب و سنت**، ترجمه محمد مال الله، کتابخانه عقیده
- امیدی، ع. ۱۳۹۱، «نقش رسانه‌های جدید در انقلاب‌های جهان عرب»، **مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، شماره ۱۷، سال سیزدهم، ص ۴۵-۷۶
- اصغری، ر. ۱۳۸۸، «بررسی ساختار وب معنایی و تحول آن در زندگی بشر»، **دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد
- احمدوند، ش. ۱۳۸۶، «دو قرائت مختلف از سنت اسلامی»، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۰
- تاملینسون، ج. ۱۳۸۱، **جهانی شدن و فرهنگ**، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
- افتاده، ج. ۱۳۹۱، «تفاوت بین رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی»، **ماهنامه علوم اجتماعی**، شماره ۵۶، سال شانزدهم، ص ۶۷-۷۲
- ابراهیمی، ن. ۱۳۹۲، **نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه**، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
- ابراهیم نژاد، م. ۱۳۹۳، **داعش؛ دولت اسلامی عراق و شام، تحلیل و بررسی تاریخ و افکار**، انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل بیت، قم
- توانا، م؛ روشن، امیر و بیگلری، منیژه. ۱۳۹۰، «آینده اسلام سیاسی در عصر جهانی شدن: دیدگاه‌های مختلف»، **پژوهش‌های روابط بین الملل**، شماره ۱
- جوان شهرکی، م. ۱۳۸۷، «نقش جهانی شدن در گسترش بنیادگرایی دینی»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۷، ص ۲۷۴-۲۴۹
- خلقتی، م. ۱۳۹۱، «تصورات قالبی در جهان‌های مجازی»، **ماهنامه علوم اجتماعی**، شماره ۵۶، سال شانزدهم، ص ۷۳-۷۷
- خانیک، ه. ۱۳۹۲، «جهانی شدن و ارتباطات زمینه‌ها و چشم اندازهای نظری»، **مطالعات راهبردی جهانی شدن**، دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۶-۳۳

- ذراتی، م. «آشنایی با فناوری‌های وب ۲»، ارتباط علمی رابرتسون، ر. ۱۳۸۸، جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی جهانی، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، تهران
- رضایی نبرد، ا. ۱۳۹۱، «بررسی تأثیرات جهانی شدن بر هنر معاصر غرب»، دوره ۳، شماره ۶، بهار، صفحه ۱۴۹-۱۷۸
- رحمان زاده، ع. ۱۳۸۹، «کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن»، مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره ۱
- رسولی، م. ۱۳۹۱، «عوامل مؤثر بر تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی»، ماهنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۶، سال شانزدهم، ص ۶۶-۵۷
- ستوده، ع. ۱۳۹۳، «آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه»، فصلنامه حبل المتین، شماره ۹، سال سوم، ص ۲۴-۵
- سیف آبادی، م. ۱۳۹۳، «واکاوی ریشه‌های پدیده‌ی بنیادگرایی در خاورمیانه»، فصلنامه حبل المتین، شماره ۹، سال سوم، ص ۱۸۶-۱۷۱
- شیخ احمد، م. ۱۳۸۵، «جهاد: از ابن تیمیه تا بن لادن»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹، ص ۲۱۴-۱۹۳
- عباسی اشلقی، م. ۱۳۹۰، «منطق رفتار سیاسی و روند اسلام‌گرایی در عربستان»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲، سال بیست و پنجم، ص ۴۹۷-۴۷۵
- عبدالوهاب، م. ۱۳۹۳، «عقیده اسلامی»، ترجمه ابوالفضل برقی، دارالعقیده، بی‌جا
- فیرحی، د. ۱۳۹۲، «سلفی‌گری از پیدایش تا گسترش، گفتگو با داوود فیرحی»
<http://www.jomhourieslami.com1392>
- قربی، م. ۱۳۹۳، «درآمدی بر کارکرد رسانه در جنگ نرم علیه امت اسلامی؛ رویکرد مفهومی»، مطالعات رسانه و امت، شماره ۱، سال اول، ص ۱۲۲-۱۰۲
- قطب، م. ۱۳۹۲، «عدالت اجتماعی در اسلام»، ترجمه عبدالرحمان جعفری، فصلنامه اصلاح، شماره ۵، سال دوم، ص ۱۷-۱۴
- کتاب ماه کلیات، ۱۳۸۷، «وب ۲ تحولی دیگر در عرصه اطلاع‌رسانی»، کتاب ماه کلیات، سالیازدهم، شماره ۱۱، پیاپی ۱۳۱، آبان
- گل محمدی، ا. ۱۳۸۲، «جهانی شدن فرهنگ، هویت، نشر نی، تهران
- گریفیتس، م. ۱۳۹۴، «دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهانی»، نشر نی، تهران
- میراحمدی، م. ۱۳۹۳، «جریان‌های سلفی: از انقیاد تا افراط‌گرایی»، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره ۲، سال پنجم، شماره ۲، ص ۱۳۲-۱۱۱

نورمحمدی، م. ۱۳۹۰، گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات و تحول امنیت، میزان، تهران.

نکته دان، ح. ۱۳۸۶، «اینترنت و تأثیر آن بر فعالیت‌های القاعده»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۷، ص ۲۷-۷۰

یزد خواستی، ب. ۱۳۹۲، «حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، شماره ۲۱، سال چهاردهم، ص ۸۱-۱۰۱

یزدانی، ع. ۱۳۹۳، «نگاهی سازه‌انگارانه به ظهور پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه حبل المتین، شماره ۹، سال سوم، ص ۱۷۰-۱۴۳

"خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق"، گزارشات دفتر مطالعات سیاسی، خرداد ۱۳۹۳.

ابن تیمیه، "واسطه بین حق و خلق"، با شرح و توضیح محمد بن جمیل زینو، کتابخانه عقیده ابن عبدالوهاب، م. ۱۳۹۲، کتاب التوحید، ترجمه اسحاق دبیری، ریاض

الرشید، م. ۱۳۹۳ عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید، ترجمه رضا نجف زاده، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ‌هنر و ارتباطات، تهران

ب - انگلیسی

Adamson, J. C. 2011. Global Jihad: Al-Qaeda and Its Implications for the Global System.

Ashour, O. 2015. Between ISIS and a failed State: the saga of libyan islamists. Recuperado

Aydinli, E. & ROSENAU, J. N. 2005. **Globalization, security, and the nation state: paradigms in transition**, SUNY Press.

Barrett, R. 2014. The Islamic State.

Der Derian, J. 2003. The question of information technology in international relations. **Millennium-Journal of International Studies**, 32, 441-456.

Digital Age. International Studies Association Convention, Montreal, 2004.

Hart, J. A. 2012. **Information and communications technologies and power. Cyberspaces and Global Affairs**, 203.

Kremer, J.-F. & MULLER, B. 2013. **Cyberspace and International Relations**, Springer.

Lonsdale, D. J. 2004. **The nature of war in the Information Age: Clausewitzian future**, Psychology Press.

Meijer, R. 2009. **Global Salafism: Islam's new religious movement**, London: Hurst & Co.

MOGHADDAM, F. M. 2009. Commentary: Omniculturalism: Policy solutions to fundamentalism in the era of fractured globalization. **Culture & Psychology**, 15, 337-347.

- Moussalli, A. Wahhabism, Salafism and Islamism: Who is the enemy? A Conflict Forum Monograph, 2009. 1-39.
- Rosenau, J. N. & SINGH, J. P. 2002. **Information technologies and global politics: The changing scope of power and governance**, SUNY Press.
- Schmid, A. P. 2015. Challenging the Narrative of the Islamic State. The Hague: International Centre for Counter-Terrorism.
- Smith, B. 2015. ISIS and the sectarian conflict in the Middle East. **Economic Indicators**, 3, 15.
- Wiktorowisc, Q. 2006. Anatomy of the Salafi movement. **Studies in Conflict & Terrorism**, 29, 207-239.

ج - عربى

الفوزان، ص. ٢٠٠٥، دروس فى شرح نواقض الاسلام، طبعه تاليه

القرضاوى فى العراء، موقع اهل سنة والجماعت. كتاب الكترونيكى بى تا

الشوايشى، س، مفهوم السلف و السلفيه قديما و حديثا، الشريعة و الدراسات الاسلاميه، عدد ٢٢

على عبید، س. ٢٠٠٨، تنظيم القاعدة النشاء، الخلفية الفكرية، الامتداد، القاهرة، مكتبة مدبولي

منيب ع. ٢٠١٠، مراجعات الجهاديين، مكتبة مدبولي

زيلين، ٢٠١٤.٥، تنظيم القاعدة ينفصلوا عن "الدوله الاسلاميه فى العراق و الشام"

د - كردى

كاروانى، ا. ٢٠١٥، داعش له نيوان توندره و بى ئاينى و شكستى دوله تدا، چاپخانه روز هه لات

هه رته لى. ٢٠٠٩، عبدالله، گولزارى ئيسلام

هه رته لى. ٢٠٠٩، عبدالله، شرح العقيدة الطحاوية

هه رته لى. ٢٠٠٩، عبدالله، شرح الاربعين النوويه